

تحمیل خود به دیگری مانع از همگرایی سیاسی است!

گفتگوی نشریه شهروند با دکتر مهرداد درویش پور در باره بروز [x](#) تنش در تظاهرات استکهلم

هر تلاشی از هر سو که بکوشد رنگین کمان سیاسی در ایران را به نفع یک رنگ و محور رنگ های دیگری زائل سازد، با شکست روبرو خواهد شد. خویشتن داری، مصالحه و مدارا و پذیرش پلورالیسم تنها راه پیمودن این مسیر دشوار است.

مهرداد درویش پور، جامعه شناس مقیم سوئد است. دکتر درویش پور در دانشگاه به تدریس جامعه شناسی مشغول است. او از نظریه پردازان و فعالان شکل بخشیدن به بدیل جمهوری خواهی و از پایه گذاران جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران است و به لحاظ سیاسی تمایلات سوسیال دموکراتیک دارد. درویش پور در حوزه های نظری و سیاسی از جمله در جنبش زنان، ضد نژادپرستی، صلح، دانشجویی و حقوق بشر فعال بوده است و تاکنون از وی مطالب متعددی در این زمینه ها به چاپ رسیده است. در آغاز دهه نود عضو رهبری اتحادیه سراسری ضد نژادپرستی و همچنین از فعالان جنبش صلح و ائتلاف ضد جنگ در سوئد بود. از آغاز جنبش دانشجویی 18 تیر 1378 همراه با دیگر یارانش با پایه ریزی "جنبش همبستگی با دانشجویان" و "جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران" که حرکت های اعتراضی بزرگ را در قالب تظاهرات در استکهلم سازمان دادند، فعالیت خود را بیشتر در زمینه حقوق بشر متمرکز کرد

آقای درویش پور لطفا از آخرین تظاهراتی که در تاریخ ۲۴ جون ۲۰۱۲ در شهر شما در پیوند با حمایت از زندانیان سیاسی در ایران صورت گرفت بگویید؟ کدام نیروها آن را فراخوان داده بودند؟

این تظاهرات همزمان با تعداد دیگری از شهرهای جهان در دفاع از زندانیان سیاسی صورت گرفت. فراخوان دهنده گان آن " [www.iranianhumanrights.org](#) " و " [www.iranianhumanrights.org](#) " در استکهلم بودند. برخی از نیروهای چپ گرا و دمکرات نیز رسماً از آن حمایت کرده بودند.

آیا نیروها و گروه های فعال سیاسی دیگر هم بودند که به عنوان برگزار کننده در این مراسم شرکت نکرده بودند؟ چرا؟

گرچه مسئولان تلاش زیادی کردند که گروه های گسترده تری در این اکسیون شرکت کنند، اما تا آن جا که من می دانم تعداد گروه های حمایت کننده از آن چندان زیاد نبود. علت عدم حمایت آنها را باید

از خودشان پرسید. آیا علت آن دل نگرانی از حضور برخی از احزاب تندرو چه در این تظاهرات بود که تنها در برگزاری اکسیون با هواخواهان سلطنت معتدل عمل می کنند؟ آیا دل نگرانی از حضور برخی از گروه های راست افراطی هوادار رضا پهلوی که در سو استفاده از تظاهرات دیگران در این شهر سابقه دارند، علت این امر بود؟ و یا شاید باید دلیل دیگری برای خودداری آنها جستجو کرد. برآستی من پاسخ آنرا نمیدانم. تنها میدانم که برخی از دوستان من نیز از پیش اصلا موافق نبودند که این دعوت را بپذیریم. احتمالا به دلایلی مشابه همان دلایل بالا که به نظر آنان مانع از استقبال گسترده مردم از این تظاهرات می شد. من البته مردد بودم که شرکت کنم. اما به خاطر دفاع از آزادی زندانیان سیاسی مایل بودم ادای سهمی کنم و بدلیل اعتمادی ضمنی که به برگزارکنندگان این تظاهرات داشتم در آن شرکت کردم.

یکی از سخنرانان این برنامه شما بودید، چرا سخنرانی تان را اجرا نکردید؟

اکثر سخنرانان یا حضور نیافتند و یا رسماً اعلام کردند سخنرانی نخواهند کرد. اردلان شکرآبی رئیس پیشین سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات سوئد، امینه کاکاوا به نماینده پارلمانی حزب چپ سوئد، ماریا رشیدی از فعالان تشکل زنان در استکهلم، بهزاد بارخدایی از فعالان جنبش کارگری، شهین پویا از کانون زندانیان سیاسی در تبعید از جمله افرادی بودند که نام آنها به عنوان سخنران در لیستی که من شب قبل دریافت کرده بودم وجود داشت که یا اصلا در تظاهرات حضور نیافتند و یا به عنوان اعتراض سخنرانی نکردند. من هم یکی از این سخنرانان بودم که گرچه در این تظاهرات حضور یافتم اما سخنرانی نکردم. من در اعتراض به رفتار هواداران رضا پهلوی که عکس ایشان را بالا برده بودند و تلاش میکردند از تظاهرات برای آزادی زندانیان سیاسی بهره برداری شخصی و گروهی کنند، اعلام کردم نه تنها سخنرانی نخواهم کرد بلکه ایستادن در آن محیط را جایز نمیدانم و به همراه تعدادی از دوستان محل را ترک کردم. به این گروه از سوی مسئولین تذکر داده شد که نه مسئولین، نه سخنرانان و نه بسیاری از تظاهرکننده گان مایل نیستند مورد بهره برداری تبلیغاتی رضا پهلوی قرار گیرند و درخواست شد عکس ها پائین آورده شود. اما آنها وقتی به خواست برگزارکننده گان ننهادند. مسئولین گرچه می توانستند از پلیس کمک بجویند، اما بردباری به خرج داده و تنها در برابر بی اعتنائی سرکردگان این گروه، تظاهرات را به عنوان اعتراض برای مدت

کوتاهی تعطیل می کنند تا شاید این افراد به خواست آنها احترام گذارند. بخشی از جمعیت در اعتراض به این حرکت محل را ترک کرد. سرکردگان این گروه اما نه تنها اهمیتی به اعتراضات ندادند بلکه در انتها با تهیه ویدیو کلیپی واقعا اسف بار نشان دادند نه تنها در پی سو استفاده از تظاهرات برآمده اند بلکه مرز هر نوع حرمت انسانی را زیر پا گذاشته اند. آنان با سو استفاده از نیاز برخی پناه جویان به گرفتن اقامت، به دست آنان عکس های رضا پهلوی را داده و سپس از تک تک آنان می پرسند چرا در این تظاهرات شرکت کرده اید؟ که تقریبا جملگی آنان به جای حمایت از زندانیان سیاسی می گویند برای حمایت از رضا پهلوی آمده اند! از بد حادثه خودشان این ویدیو کلیپ را با افتخار هم پخش کرده اند و حواسشان هم نیست که این صحنه ها چنان رقت آور و موجب رسوایی طیف هواداران رضا پهلوی شده است که سر و صدای برخی از آنها نیز در آورده است. برخی از آنان در بیانیه های و کمنت های خود این عمل را محکوم کرده اند و نوشته اند که این گونه تبلیغات آبروی طیف هوادار رضا پهلوی را برده است. البته معلوم نیست اگر آقای رضا پهلوی مخالف رفتار این گروه های فشار است چرا در این باره سکوت کرده اند؟ همچنین گرچه برخی از گروه های هوادار پادشاهی در تماس های تلفنی ضمن مشکوک خواندن این اعمال آنها محکوم کرده اند، اما روشن نیست چرا رسماً اطلاعیه نمی دهند؟ من رسماً تا زمانی که آقای رضا پهلوی و یا دفتر ایشان اطلاعیه ای در محکوم کردن این اقدام منتشر نکنند، سکوت ایشان را حمایت ضمنی از این گونه حرکات برای پیش برد اهدافشان تلقی خواهم کرد. نمیدانم آیا رفتارهای شبه فاشیستی آن دسته از هواداران رضا پهلوی که شبانه روز به ترور سیاسی و شخصی مخالفان سلطنت و تحمیل شعار "امروز فقط اتحاد" به دیگران مشغولند در راستای پروژه رضا پهلوی برای تامین همگرایی سیاسی در اپوزیسیون قرار دارد و یا نشانه ای است از گرایش به توتالیتاریسمی که هانا آرنه از آن به عنوان اتحاد نخبگان و اوباشان نام می برد؟

به عنوان یک کوشنده اجتماعی و سیاسی فکر می کنید چه باید کرد که نیروهای سیاسی اجتماعی این فرهنگ را بیاموزند که با حفظ اختلاف نظرهایشان در پروژه های مشخص با هم شرکت کنند بدون آن که مجبور شوند هویت خود را پنهان و یا انکار کنند؟

سؤال پیچیده ای است و من پاسخ ساده ای برای آن با توجه به دشواری و حساسیت شرایط سیاسی جامعه ایرانی ندارم. شاید باید در باره آن بیشتر اندیشید. تنها چند ملاحظه به نظرم می آید. نخست آن

که باید به توافقات احترام گذاشت. اگر مسئولین یک برنامه توافق کرده اند شرکت کننده گان در تظاهرات مجازند تا عکس هر فرد و رهبری را از رهبر جندالله و پژاک گرفته تا افرادی چون رجوی، پهلوی، موسوی و یا هر کس دیگری را حمل کند، باید رسماً آنرا اعلام کنند تا مردم تلکیف خود را بدانند که آیا اصلاً پا به آن تظاهرات بگذارند یا نه. اگر هم چنین قراری گذاشته نشده است، باید به درخواست برگزارکننده گان که مسئولیت سیاسی، اخلاقی و قانونی تظاهرات را بر عهده دارند، احترام گذاشت. نه آن که با فشار خود را به دیگران تحمیل کرد. سوم آن که باید اخلاق سیاسی ای را رواج داد که حتی در صورت حضور پرچم و عکس این و آن تلاش نکرد تظاهرات دیگران را به نام خود مصادره کرد. مردم تمایلی ندارند در تظاهراتی که برای اهداف عمومی همچون آزادی زندانیان سیاسی برگزار می گردد اما بهره برداری گروهی سیاسی خاصی قرار می گیرد شرکت کنند و به محض مشاهده آن بی اعتماد می شوند. ما خود در سوئد بارها تظاهرات چند هزار نفری سازمان داده ایم، اما هرگز آنرا به ابزار تبلیغ جمهوری خواهی بدل نساخته ایم. همواره از همه هم خواسته ایم شرکت کنند. روشن است که حزب دمکرات کردستان مایل است با پرچم خود، سلطنت طلب با پرچم خود، و کمونیست ها و اصلاح طلبان نیز با پرچم خود شرکت کنند. اما تا کنون تنها یک درایت مشترک پنهان و یا آشکار توانسته است و می تواند موجب گردد که کسی در پی تحمیل خود به دیگری و یا مصادره کردن کل تظاهرات به نفع خود بر نیاید. رنگین کمان بسیار زیبا است اما هر تلاشی از هر سو که بکوشد رنگین کمان سیاسی در ایران را به نفع یک رنگ و محور رنگ های دیگری زائل سازد، با شکست روبرو خواهد شد. خویشتن داری، مصالحه و مدارا و پذیرش پلورالیسم تنها راه پیمودن این مسیر دشوار است. مدیریت اختلاف بخشی از این راه است. اما با تهمت و افترا و تولید انزجار و خصومت این گره گشوده نمی شود. باید با خطاها نیز بدور از جو انگ و افترا برخورد انتفادی کرد. اما در جو ترور کسی به سخن دیگری گوش نخواهد داد. گروه های افراطی و فشار تنها روند ایجاد فضای سالم را تخریب می کنند. به آنها نباید میدان داد و باید برای طرد آنها و ایجاد دیالوگ بین گروه های معتدل تر کوشید. در ضمن جمهوری اسلامی نیز در دامن زدن به این تنش ها و یا استفاده از آن ها سخت علاقه مند است. کما این که دست گل این گروه در تظاهرات استکهلم سخت مورد بهره برداری سایت های حکومت قرار گرفت. هشیاری سیاسی و دیالوگ سالم انتقادی راه برون رفتن از تنش زدایی در اپوزیسیون و جامعه ایرانی خارج از کشور است.